

عملکرد بخش‌های مختلف اقتصاد ایران در تولید اشتغال



محمدتقی رضویان*

شوریه‌شناسی و مطالعات فرهنگی

مهمترین عامل پیشروی برنامه چهارم اقتصادی کشور بیکاری و مشکلات ناشی از آن است که برنامه‌ریزان در مواجهه با این مشکل و یافتن راهکارهای مناسب برای کاهش آن می‌کوشند. هرچند آمارهای موجود در مورد بیکاری، از رقم سه میلیون تا هفت میلیون و گاه نیز به ارقامی بسیار فزونی‌تر (آنگاه که اشتغال مولد مورد نظر است) در نوسان است، اما آنچه به طور قاطع می‌توان بر آن تکیه نمود، نتایج سرشماری‌های رسمی کشور است که مبنای برنامه‌ریزی‌های علمی خواهد بود. با اینکه تعداد شاغلان، طی سالهای پس از انقلاب رشد چشمگیری داشته است، افزایش فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصاد همگون نبوده است. به عنوان مثال؛ در یک دوره بیست ساله، بخش کشاورزی ۱۳/۳ درصد، بخش صنعت ۵۰ درصد، بخش ساختمان ۳۸/۸ درصد و بخش خدمات نیز ۱۳۷ درصد رشد

*. دکتر محمدتقی رضویان؛ عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و مدیر بخش برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی.

داشته‌است. این عدم همخوانی در رشد کلان بخشهای اقتصادی در کنار سایر عوامل، در حال حاضر منجر به گسترش فاکتور عدم اشتغال و افزایش ۷۰۰ هزار نفر به گروه بیکاران در سال شده‌است.

بنابراین ارزیابی عملکرد بخشهای مختلف اقتصاد در تولید اشتغال در سالهای گذشته زیربنای برنامه‌ریزیهای آتی در جهت رفع مشکل بیکاری و فراهم نمودن امکانات اشتغال محسوب می‌گردد.

کلید واژه‌ها:

ایران، اشتغال، برنامه‌ریزی، عرضه نیروی انسانی، رشد اقتصادی، بخش کشاورزی، بخش صنعت، بخش خدمات



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

برنامه‌ریزی و اجرای سیاستهای اشتغال‌زایی نیازمند شناخت و توجه به تغییرات در ساختارهای اشتغال در طی سالهای گذشته و پیش‌بینی روند این تغییرات در آینده است. طی سه دهه گذشته، طبیعت بازار کار در ایران دستخوش تغییر و تحول بسیار بوده و بر مبنای آن نرخ اشتغال و چگونگی توزیع آن نیز متغیر بوده است.

تعداد شاغلان در ایران در فاصله سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۷۵ از ۸/۸ میلیون نفر به ۱۴/۶ میلیون نفر رسید و این افزایش در بخشهای مختلف، متفاوت نیز بوده است و از افزایشی ۱۳/۳ درصدی در بخش کشاورزی تا افزایشی ۵۰ درصدی در صنعت و نیز ۳۸/۸ درصدی در بخش ساختمان برخوردار بوده است. همچنین میزان گسترش بخش خدمات، با افزایش حدود ۱۳۷ درصد سرعت بالایی داشته است. لازم به ذکر است که ارزش افزوده بخشهای کشاورزی و صنعت، طی این دوره بیشتر از افزایش فرصتهای جدید شغلی در این بخشها بوده است؛ در حالیکه عکس این قضیه در دو بخش خدمات و ساختمان به چشم می‌خورد. این امر بدان معنی است که نسبت تولید کارگر در بخشهای کشاورزی و صنعت از بخش خدمات بیشتر بوده است.

از سوی دیگر، با مقایسه میان دو بخش کشاورزی و صنعت، به اختلاف شدید تولید در این دو بخش پی خواهیم برد. در حالیکه طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ نرخ تولید کارگر در بخش کشاورزی با ۱۰۰ درصد افزایش مواجه بوده، این نرخ در صنعت، نشانگر ۴۵ درصد کاهش بوده است.

دو دلیل عمده جهت افزایش تولید سرانه در بخش کشاورزی به چشم می‌خورد:

۱. کشاورزی عمدتاً در اختیار بخش خصوصی است.
۲. کشاورزی طی دو دهه گذشته، از یک فعالیت کارگربر به سمت فعالیتی سرمایه‌بر (مکانیزاسیون) حرکت کرده است.

جدول ۱. ترکیب شاغلان برحسب جنس و گروههای عمده فعالیت
در سالهای مختلف (درصد)

سال	کل کشور	مرد	زن	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۳۳۵	۱۰۰	۹۰/۳	۹/۷	۶۲/۵	۲۲/۳	۱۵/۲
۱۳۴۵	۱۰۰	-	-	۴۶/۵	۲۷/۵	۲۶
۱۳۵۵	۱۰۰	-	-	۳۴	۲۴/۲	۲۱/۸
۱۳۶۵	۱۰۰	-	-	۲۰	۲۶/۱	۳۳/۹
۱۳۷۰	۱۰۰	۹۰	۱۰	۲۹	۲۵	۴۶
۱۳۷۵	۱۰۰	۸۸	۱۲	۲۳/۰۲	۳۰/۷	۴۶/۲۶
۱۳۷۹	۱۰۰	-	-	۲۶/۰۵	۳۱/۴۵	۴۲/۵
۱۳۸۱	۱۰۰	-	-	۲۵/۵۵	۲۹/۱۷	۲۵/۲۸

منبع: مرکز آمار ایران، «سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن سالهای مختلف»، سالنامه آماری ۱۳۷۹، آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار ۱۳۸۱.

کاهش نرخ رشد سرانه در صنعت عمدتاً به دلیل عدم اعمال مدرنیزاسیون در سیستمهای تولیدی و عدم انعطاف پذیری آنها و نیز سیاستهای نامتناسب دولت برای زنده نگهداشتن صنایع قدیمی، از طریق اعطای سوبسیدهای مختلف دولتی به آنها بوده است.

علاوه بر این نسبت چشمگیر کارگران خویش فرمای مرد در کشاورزی (۷۴/۴ درصد) در مقایسه با ۲۹/۷ درصد زنان و دسترسی آسانتر به اعتبارات مختلف برای مردان منجر به بالا رفتن نرخ تولید کارگر در این بخش شده است. همچنین ۵۴ درصد زنان شاغل در بخش کشاورزی، به عنوان خانواده فعال بدون دریافت مزد هستند؛ در حالیکه تنها ۱۱ درصد از مردان در این طبقه بندی قرار می گیرند.

از نقطه نظر کمی، طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ تعداد شاغلان بخش صنعت

بطور متوسط سالیانه به میزان ۵۲ هزار نفر افزایش داشته است. سهم این بخش در تصویر کلی اشتغال در کشور از ۱۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۸/۹ درصد در دو دهه بعد کاهش یافت. رشد تعداد شاغلان بخش صنعت در این دوره ۵۶ درصد بود؛ در حالیکه سطح اشتغال در کل کشور در کلیه بخشها بطور متوسط از ۵۸ درصد رشد برخوردار بوده است. بخش خدمات ۱۱۵/۳ درصد، صنعت و معدن ۳۹/۲ درصد، کشاورزی ۲۲/۳ درصد رشد نشان می دهد. به طور کلی می توان گفت که بخش صنعت در طی دو دهه گذشته در جذب سرمایه و نیروی انسانی موفقیت چندانی نداشته است.

ارقام فوق بیانگر این حقیقت است که سرمایه گذاری واقعی برای درآمدزایی درازمدت در کشور بندرت انجام پذیرفته است، اینگونه سرمایه گذاریها با موانع متعددی مواجه بوده و نقش آنها در افزایش سطح اشتغال در صنعت نیز کم رنگ بوده است.

چنانچه بطور متوسط برای جمعیت شهری و روستایی، سن ۲۰ سال برای ورود به بازار کار در نظر گرفته شود، ملاحظه می گردد که از سال ۱۳۷۵ تقاضای اشتغال هر ساله به طور صعودی رو به فزونی می گذارد و نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۶/۴ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش می یابد. البته یادآوری این نکته ضروری است که این نرخ بیکاری، مشاغل کاذب و زیرزمینی و نیروی سربار ادارات دولتی را در برنمی گیرد. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی چنانچه نرخ بیکاری با استانداردهای بین المللی مورد محاسبه قرار گیرد، نرخ بیکاری به ارقامی حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد بالغ می گردد.^۱

افزایش نرخ بیکاری به دلیل رشد بالا در عرضه نیروی کار طی سالهای اخیر، ناشی از جوانی جمعیت و افزایش فارغ التحصیلان دانشگاهها بوده است. از سوی دیگر نسبت جمعیت سالخورده (۶۵ ساله و بیشتر) با بهبود نسبی سالهای امید به زندگی و افزایش طول عمر جمعیت، به کندی در حال افزایش است. این نسبت از ۴/۵۳ درصد

۱. علی زمانی، «سرمایه گذاری در صنعت نفت و اشتغال»، روزنامه جهان اقتصاد، یازدهم خرداد ۱۳۷۹.

در سال ۱۳۷۸ به ۴/۶۴ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته‌است.

میزان بیکاری در استانها

در بهمن ماه سال ۱۳۸۱، میزان بیکاری جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر در کشور و در نقاط شهری و روستایی به ترتیب ۱۲/۲ درصد، ۱۳/۱ درصد و ۱۱/۱ درصد بوده‌است. در میان استانهای کشور؛ استانهای سیستان و بلوچستان، کردستان و لرستان، به ترتیب با ۲۱/۶ درصد، ۲۱/۵ درصد و ۱۷/۹ درصد بالاترین میزان بیکاری و استانهای آذربایجان شرقی، مازندران و مرکزی، به ترتیب ۶/۷، ۸/۳ و ۸/۴ درصد کمترین میزان بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند.

تحولات اشتغال در بخش کشاورزی

به‌طور نسبی، همان روندی که در توزیع جغرافیایی جمعیت بین شهر و روستا رخ داده‌است، در مورد شاغلان بخش کشاورزی نیز صادق است. چنانکه باری پیر^۱ در برآوردهای خود ذکر کرده‌است در سال ۱۲۸۰ حدود ۸۰ درصد از جمعیت کل کشور در روستاها زندگی می‌کرده‌اند. این در حالیست که در سال ۱۲۸۵ طبق همان مآخذ، ۹۰ درصد (۳/۴۳۱ میلیون نفر) از شاغلان کل کشور در بخش کشاورزی فعالیت داشته‌اند و بتدریج، با تحولات اقتصادی و اجتماعی در ساختار نیروی انسانی بطور کلی تغییر و تحولات قابل ملاحظه‌ای بوجود آمد. در این میان کشاورزی بیشترین تغییرات را داشته‌است؛ بطوریکه از اولین برآورد که حدود ۹۰ درصد بود، در سال ۱۲۸۵، به ۵۶ درصد کل شاغلان در اولین سرشماری عمومی در سال ۱۳۳۵ رسید و با یک روند کاهش، به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت. در مقابل کاهش نسبت شاغلان بخش کشاورزی، درصد شاغلان سایر بخشها؛ خصوصاً بخش خدمات بطور

۱. باری پیر، اقتصاد ایران در ۱۳۴۹-۱۳۴۹، ترجمه مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه و بودجه، (تهران: نشر مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳).

فزاینده‌ای طی چهار دهه، از ۱۵ درصد به ۴۷ درصد بالغ گردیده‌است. این امر نتیجه منطقی روند تغییر ساختاری نظام اقتصادی اجتماعی در کل و به تبع آن تغییر ساختاری تولید کشاورزی و مناسبات ناشی از آن است.^۱

آمارهای موجود بیانگر این موضوع است که بطور نسبی از اهمیت اشتغال در بخش کشاورزی کاسته گردیده‌است.^۲ نکته حائز اهمیتی که نباید به فراموشی سپرده شود، بررسی تعداد قدر مطلق شاغلان کشاورزی می‌باشد. در این مورد، خوشبختانه ما علاوه بر تخمینها، به آمارهای نسبتاً قابل اعتماد چهار دهه نیز دسترسی داریم. صرف نظر از اینکه از درصد شاغلان این بخش و این طیف در چهار دهه کاسته گردیده‌است، در مقابل، این نوسانات نزولی شدید - خصوصاً درسی سال اول - از نظر قدر مطلق طی چهل سال - از ابتدا تا انتهای دوره - روند تغییری ناچیزی را پیموده‌است.

اشتغال‌زایی بخش کشاورزی در سطح کلان

با وجود کاهش سهم این بخش در اشتغال‌زایی طی دهه‌های اخیر، تعداد مطلق شاغلان کشاورزی یا نرخ بطنی در حال رشد است. بنابراین، تکنولوژی سرمایه‌بر تا حدودی جانشین کار شده و این فرایند نیز موجب افزایش بهره‌وری نیروی کار این بخش گردیده‌است. در نتیجه، طی دوره مذکور سهم اشتغال بخش کشاورزی از ۲۹ درصد در سال ۱۳۶۵، به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته‌است.^۳

نرخ رشد تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی طی دوره ۷۰-۱۳۶۵ و ۷۵-۱۳۷۰، به ترتیب ۰/۱ درصد و ۰/۹ درصد بوده‌است؛^۴ در حالیکه نرخ رشد سرانه

۱. حسن زنده‌دل. ساختارهای نیروی انسانی در اقتصاد کشاورزی، (تهران: نشر سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۲).

۲. مینو الوندی و زهره کمانی، «بررسی اشتغال کشاورزی در جامعه روستایی ایران در دهه‌های اخیر»، وزارت کشاورزی، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۶۴.

۳. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، ۱۳۸۰.

۴. سازمان برنامه و بودجه، «مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی - اجتماعی».

سرمایه در دو دوره مزبور به ترتیب $\frac{2}{4}$ و $\frac{4}{2}$ درصد است.

نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار در دوره اول $\frac{3}{4}$ درصد و در دوره دوم $\frac{3}{8}$ درصد بوده است. لذا درجه مکانیزاسیون در بخش کشاورزی در حال افزایش بوده و رشد اشتغال مخصوصاً در دوره ۷۵-۱۳۷۰ روند نزولی داشته است. در دهه ۷۵-۱۳۶۵ تنها $\frac{17}{9}$ هزار فرصت شغلی جدید ($\frac{4}{5}$ درصد در کل اشتغال) در بخش کشاورزی ایجاد شده است. این امر هر چند در نگاه اول با روند مکانیزاسیون قابل توضیح است، اما در مجموع، به دلیل پایین بودن بهره‌وری کل و عدم استفاده مطلوب از منابع موجود در اقتصاد ایران حادث شده است. بطوریکه نزدیک به ۳۱ درصد از خاک ایران (۵۱ میلیون هکتار) دارای استعداد خوب و متوسط برای کشاورزی است و ۶۴ درصد از منابع خاک مستعد کشاورزی یعنی حدود ۳۳ میلیون هکتار، هنوز در بخش تولید استفاده نشده است و از $\frac{18}{7}$ میلیون هکتار اراضی واقع در چرخه تولید نیز با نرخ ۵۰-۶۰ درصد بهره‌وری استفاده می‌گردد.^۱

در مورد منابع آب هم این وضعیت مشاهده می‌شود. به طور متوسط سالانه چهارصد میلیارد متر مکعب آب از طریق نزولات جوی و رودخانه‌ها وارد کشور می‌شود که از این میزان تنها ۱۲۰ میلیارد متر مکعب آن قابل کسب است و ۲۸۰ میلیارد متر مکعب آن با وجود کمبود آب در کشور، از طریق تبخیر و تعرق در رودخانه‌ها هرز می‌رود. از میزان آب قابل بهره‌برداری نیز، تنها ۵۰ درصد در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

لذا با استفاده از منابع آب و خاک کشور که به سرمایه‌گذاری و تحقیقات علمی همه جانبه و بهره‌گیری از نیروی کار فراوان و ایجاد انسجام در مراکز تصمیم‌گیر نیاز دارد و همچنین دخالت دولت در فعالیتهای بخش خصوصی و بازار، می‌توان تولید را افزایش داد و با بحران بیکاری در آینده مقابله نمود. البته باید متذکر گردید که کاهش

۱. کشاورزی ایران در یک نگاه، وزارت کشاورزی، ص ۳۸.

۲. تخصیص بهینه منابع برای خودکفایی و... وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۳، ص ۶۶.

تولیدی اشتغال در این بخش اندک است. به عبارتی، در ازای درصد معینی رشد تولید، اشتغال در بخش کشاورزی کمتر از سایر بخشها افزایش می‌یابد. برای مثال؛ این نسبت در دوره ۱۳۶۵-۷۵ فقط ۰/۰۵ بوده‌است، در حالیکه در بخش معدن و ساختمان این نسبت به ترتیب ۳/۹۹ و ۴/۶۱ درصد است. و در مجموع می‌توان گفت که در بخش کشاورزی کشورمان، هنوز قدرت ایجاد اشتغال وجود دارد.

نقش صنعت در تولید اشتغال

اولین سرشماری صنعتی کشور، در مرداد ماه ۱۳۴۲ به وسیله اداره کل آمار عمومی انجام گرفت. از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱، وزارت اقتصاد به تهیه آمار از کارگاههای صنعتی کشور مبادرت می‌کرد و از سال ۱۳۵۲ به بعد، این وظیفه به وزارت صنایع و معادن وقت محول شد.

مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۱ برای اولین بار، از کارگاههای بزرگ صنعتی (۱۰ نفر کارکن و بیشتر) سرشماری به عمل آورد و از آن سال تا کنون، این سرشماری همه ساله انجام و اطلاعات تفصیلی سال قبل کارگاههای مزبور برحسب فعالیتهای مختلف صنعتی جمع‌آوری و منتشر می‌شود.

همانگونه که گفته شد ماهیت بازار کار در ایران، طی چهار دهه گذشته شدیداً دستخوش تحول بوده‌است. این تحول بویژه در بخش صنعت و خدمات، چشمگیر بوده‌است. بطوریکه در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ سهم بخش صنعت از ۲۴ درصد کل شاغلان کشور به ۳۰ درصد رسیده و از نقطه نظر کلی در فاصله سالهای ۱۳۵۵-۷۵ تعداد شاغلان بخش صنعت بطور متوسط سالیانه به میزان ۵۲ هزار نفر افزایش داشته‌است.

جدول ۲. توزیع جمعیت شاغل در بخش صنعت

در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۱ (درصد)

۱۳۸۱	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵*	۱۳۴۵	۱۳۳۵
۲۹/۱۷	۳۰	۲۷	۳۴	۲۷	۲۴

* افزایش شدید آمار شاغلان در سال ۱۳۵۵ ناشی از سیاستهای توسعه صنعتی دهه پنجاه بود که پس از انقلاب اسلامی و شروع جنگ ایران و عراق این بخش کاهش چشمگیر یافت.

در سال ۱۳۷۵ از مجموع ۱۴،۵۷۱،۵۲۷ نفر شاغلان کل کشور، ۴،۳۵۳،۰۷۴ نفر - یعنی ۳۰ درصد - در بخش صنعت اشتغال داشته‌اند. از این تعداد ۲،۵۵۱،۹۶۱ نفر در صنایع کارگاهی و کارخانه‌ای، ۱۱۹۸۸۴ نفر در استخراج معدن، ۱۵۰،۶۳۱ نفر در بخش شاغلان برق و گاز و آب و ۱،۶۵۰،۴۸۱ نفر در صنعت ساختمان شاغل بوده‌اند. از مجموع شاغلان بخش صنعت ۳،۸۳۶،۹۱۲ نفر مرد و ۴۸۹،۱۶۲ نفر زن بوده‌اند. به عبارت دیگر ۸۹ درصد شاغلان این بخش مردان و تنها ۱۱ درصد را زنان تشکیل می‌داده‌اند.

براساس نتایج آمارگیری از کارگاههای صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر، در سال ۱۳۷۶، تعداد ۱۳۹۰۴ کارگاه صنعتی وجود داشته که در آن حدود به فعالیت ده نفر کارکن صنعتی اشتغال داشته‌اند. در فعالیتهای عمده، بیشترین سهم؛ یعنی ۲۴/۹۲ درصد به «صنایع تولیدی سایر محصولات کانی غیرفلزی»، ۱۵/۱۰ درصد در «صنایع مواد غذایی و آشامیدنی»، ۱۲/۷۰ درصد در «صنایع تولید منسوجات» و سایرین حدود ۴۷/۲۸ درصد در بخش صنایع دیگر به فعالیت اشتغال داشته‌اند.

از نظر پراکنندگی جغرافیایی صنایع، از مجموع ۱۳۹۰۴ کارگاههای صنعتی دارای ده نفر کارکن و بیشتر؛ ۳۱/۳۱ درصد در استان تهران؛ ۱۴/۱۵ درصد در استان اصفهان، ۹/۴۴ درصد در استان خراسان و بقیه حدود ۴۵/۱۰ درصد در سایر استانهای کشور فعالیت داشته‌اند.

در سال ۱۳۷۹، جمعاً ۹۰۶۵۱۰ نفر در کارگاههای صنعتی دارای ده نفر کارکن

و بیشتر در کشور مشغول به کار بوده‌اند. از این تعداد حدود ۷۰۰ هزار نفر در کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر (صنایع بزرگ) شاغل بوده‌اند که در اشتغال این تعداد؛ صنایع نساجی ۱۷/۳ درصد، صنایع غذایی ۱۳/۲ درصد؛ مواد کانی غیرفلزی ۱۱/۶ درصد؛ فلزات اساسی ۹/۳ درصد؛ ماشین‌آلات و تجهیزات ۷/۹ درصد و مواد شیمیایی نیز با ۷/۷ درصد، دارای بالاترین سهم بوده‌است.

صنایع بزرگ پنجاه نفر کارکن و بیشتر

در سال ۱۳۷۸، در مجموع ۲۶۴۰ کارگاه صنعتی با پنجاه نفر کارکن و بیشتر در کشور به فعالیت مشغول بوده‌اند. صنایع غذایی و آشامیدنی و تولید منسوجات به ترتیب ۱۵/۶ و ۱۵/۲ درصد از صنایع بزرگ کشور را در بر دارند. صنایع محصولات کانی غیرفلزی، تولید ماشین‌آلات و تجهیزات، تولید محصولات شیمیایی و تولید محصولات فلزی فابریکی، از دیگر صنایع بزرگ کشور هستند که عمده کارگاه‌های بزرگ کشور را تشکیل می‌دهند.

ارزش افزوده

از نظر ارزش افزوده، صنعت تولید ذغال کک و پالایشگاهها با بیست کارگاه، بیشترین ارزش افزوده - معادل ۱۸ درصد کل ارزش افزوده صنایع بزرگ - را ایجاد کرده‌است. صنعت مواد شیمیایی، فلزات اساسی، مواد غذایی و تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر به ترتیب ۱۴، ۱۲/۸، ۱۰/۷، ۹/۷ درصد ارزش افزوده صنایع بزرگ را داشته‌است و این امر نشان می‌دهد که هر کارگر در صنعت تولید ذغال کک، ۵۸۸ میلیون ریال، در صنعت مواد شیمیایی ۱۳۶ میلیون ریال، در صنعت وسایل نقلیه موتوری و تریلر ۱۰۸ میلیون ریال و در صنعت فلزات اساسی ۱۰۲ میلیون ریال، ارزش افزوده ایجاد می‌کند. کمترین بهره‌وری نیز در صنعت دباغی و آماده‌سازی چرم؛ با ۱۸ میلیون ریال به چشم می‌خورد.

سرمایه‌گذاری

بطور کلی می‌توان گفت که بخش صنعت طی دو دهه گذشته در جذب سرمایه و نیروی انسانی موفقیت چندانی نداشته‌است.

میزان سرمایه‌گذاری صورت گرفته در صنایع بزرگ در سال ۱۳۷۸ معادل ۶/۳ هزار میلیارد ریال بوده‌است که عمدتاً در صنایع تولید فلزات اساسی، محصولات کانی غیرفلزی، مواد غذایی و مواد شیمیایی به ترتیب با ۱۵/۹، ۱۵/۳، ۱۲، ۱۱/۳ درصد کل سرمایه‌گذاریها بوده‌است. میزان سرمایه‌گذاری برای هر نفر شاغل بطور متوسط ۹ میلیون ریال و در فلزات اساسی ۱۵ میلیون ریال بوده‌است. به ازای هر نفر شاغل به صنعت تولید پوشاک؛ با رقمی حدود یک میلیون ریال، اختصاص دارد.

روند آتی اشتغال در بخش صنعت

از مجموع ۴،۳۵۳،۰۷۴ نفر شاغل در بخش صنعت (یعنی استخراج معدن، صنعت ساخت، تأمین برق و گاز و آب و ساختمان) ۱۱۹،۸۸۴ نفر؛ یعنی ۲/۷ درصد در فعالیتهای مرتبط با استخراج معدن (استخراج ذغال‌سنگ، استخراج نفت خام و گاز طبیعی، استخراج سنگهای معدنی، استخراج سنگهای فلزی و سایر شغلها)، ۲،۵۵۱،۹۶۲ نفر؛ یعنی ۲۸/۶ درصد در صنایع کارگاهی و کارخانه‌ای (یعنی مواد غذایی، توتون و تنباکو، نساجی و پوشاک، دباغی و چرم، چوب و کاغذ و چاپ، صنایع پالایشگاهی، محصولات شیمیایی، لاستیک و پلاستیک، کانی فلزی و غیرفلزی، تولید ماشین‌آلات، تولید لوازم الکتریکی و الکترونیکی، تولید وسایل حمل و نقل، تولید مبلمان و مصنوعات، بازیافت و صنایع مرتبط با کشاورزی)، ۱۵۰۶۳۱ نفر؛ یعنی ۳/۴ درصد در صنایع تأمین برق و گاز و آب (تولید برق، تأمین گاز، تصفیه و توزیع آب) و بقیه ۱۶۵۰۴۸۱ نفر؛ یعنی ۳۵/۳ درصد، در صنعت ساختمان مشغول به کار بوده‌اند. به این ترتیب، مشاهده می‌شود بخش ساختمان (بیش از یک سوم) کارکنان صنعتی کشور را جذب خود نموده‌است. بنابراین، تحولات سالهای اخیر در

این صنعت و کاهش فعالیت در این بخش منجر به بیکاری گروهی عظیم از شاغلان شده است.

از سوی دیگر براساس آمار سرشماری سال ۱۳۷۵، تنها تعداد ۲۵۵۱۹۶۲ نفر در صنایع تولیدی (ساخت) شاغل بوده اند.

شاخص تعیین کننده تری که نقش مهمی در فراهم نمودن امکان توسعه اقتصادی - اجتماعی بر عهده دارد، شاخص تعداد دانشمندان، مهندسان و تکنسین های فعال در تحقیقات کاربردی و علمی و توسعه ای می باشد. تعداد آنها براساس آمار سال ۱۳۶۴ شمسی، برابر با ۵۰۴۸ نفر بوده است؛ به عبارت دیگر تنها ۰/۰۱ درصد جمعیت کشور، از متخصصان فعال در امر تحقیقات هستند. در همان سال این رقم حدود دو هزار نفر کمتر از ونزوئلا و حدود ۵۰۰۰ نفر کمتر از ترکیه بوده است. سهم متخصصان در اشتغال در سال ۱۳۷۹، برابر با ۸/۲ درصد بوده است.^۱ این رقم در سال ۱۳۵۵، معادل ۳ درصد، در سال ۱۳۶۵، ۴/۵ درصد و در سال ۱۳۷۵، ۹/۶ درصد بوده است.

یکی از شرایط اساسی توسعه اقتصادی - اجتماعی؛ به مفهوم تحول در مبانی علمی و فنی تولید، بنیه قوی تخصصی نیروی کار است؛ که کشور ما از ضعف آن رنج فراوان می برد. به عبارت دیگر نسبت نیروی متخصص به جمعیت، کمتر از یک به هزار می باشد؛ هرچند شرایط مطلوبی برای فعالیت همین تعداد نیروی کار متخصص وجود ندارد و سالانه تعداد زیادی از متخصصان ایران را ترک می کنند.

جدول (۳) شاغلان بخش صنعت را برحسب جنس در نقاط شهری و روستایی

نشان می دهد (آبان ۱۳۷۵، ۱۰۰۰ نفر)

جدول ۳. شاغلان بخش صنعت در نقاط شهری و روستایی برحسب جنس

نقاط روستایی		نقاط شهری		کل کشور			گروه‌های عمده
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	مردوزن	فعالیت
—	۲۹	۴	۸۶	۵	۱۱۵	۱۲۰	استخراج معدن
۲۹۰	۴۲۷	۱۹۰	۱۴۹۵	۵۸۳	۱۹۶۹	۲۵۵۲	صنعت (ساخت)
—	۲۸	۵	۱۱۸	۵	۱۴۵	۱۵۱	تأمین برق، گاز و آب
۵	۶۰۶	۱۱	۱۰۲۸	۱۶	۱۶۳۵	۱۶۵۰	ساختمان

همانگونه که از جدول فوق برمی آید از مجموع شاغلان بخش صنعت، تنها سه دهم درصد در مناطق روستایی و بقیه در شهرها به کار اشتغال دارند. بر این اساس می توان گفت صنایع روستایی نتوانسته است جایگاهی مناسب در جذب نیروی انسانی مازاد روستاها پیدا کند و این رقم اندک (۱۵۳۱ نفر) نیز در کارگاههای کوچک - واقع در روستاها - به کار مشغول بوده اند.

تأکید مجدد بر شاغلان بخش ساختمان و تراکم آنها حدود ۷۰ درصد در شهرها بوده است.

بنابراین، تحولات سرمایه گذاری در این بخش، می تواند بر روی افزایش یا کاهش نیروی کار شهری اثری شگرف داشته باشد.

خدمات

بخش خدمات ایران مجموعه ای از فعالیتهای اداری، تجاری، تعمیراتی، حمل و نقل، آموزشی، بهداشتی و انتظامی را شامل می شود. رشد شاغلان این بخش، طی نیم قرن گذشته نشان دهنده سیستمهای برنامه ریزی اقتصادی و جهت گیریهای سرمایه گذاری همراه با افزایش سهم دولت در جذب شاغلان و نظایر آن بوده است.

جدول ۴. ترکیب اشتغال در بخش خدمات (درصد)

۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵
۳۶/۲۶	۳۶	۳۳/۹	۳۱/۸	۲۶	۱۵/۲

به موجب سرشماری ۱۳۷۵، از مجموع شاغلان ده ساله و بیشتر در کشور از ۱۴،۵۷۱،۵۷۲ نفر یعنی حدود ۴۷ درصد، ۶،۸۶۱،۲۳۵ نفر در بخش خدمت اشتغال داشته‌اند. ترکیب جنسی این شاغلان بیانگر ۵،۸۷۹،۴۶۰ نفر مرد در مقابل ۹۸۱،۷۷۵ نفر زن است که حتی در مشاغلی که زنها توانایی انجام آن را دارند، مردان مهاجر از روستاها و جویندگان کار جدید مرد غالب بوده‌اند.

از مجموع ۶،۸۶۱،۲۳۵ نفر شاغل در بخش خدمات، بیشترین سهم یعنی ۲۹ درصد، مربوط به فروشندگان و تعمیرکاران؛ ۲۳ درصد مربوط به کارکنان امور عمومی و دفاع؛ ۱۵ درصد مربوط به کارکنان آموزش و ۱۴ درصد مربوط به شاغلان در بخش حمل و نقل و ارتباطات است. همچنین تراکم شاغلان در بخش خرده‌فروشی کاملاً نمایان است. از سوی دیگر محاسبه بخشهای وابسته به دولت (اداره امور عمومی و دفاعی، آموزشی، بهداشت، خدمات عمومی و اجتماعی، سازمانهای برون مرزی و دفاتر و ادارات مرکزی) نشان می‌دهد که ۳،۲۲۰،۵۳۲ نفر؛ یعنی حدود نیمی از شاغلان بخش خدمات به نحوی در استخدام دولت هستند. با احتساب متوسط خانوار ۴/۸ نفر می‌توان گفت که بیش از پانزده میلیون نفر از ساکنان کشور در بخش خدمات دولتی به کار مشغولند. البته توزیع جغرافیایی شاغلان بخش خدمات در سطح کشور بطور یکنواخت نبوده‌است. آمارگیری نمونه‌ای سال ۱۳۸۱ نشان می‌دهد که بالاترین میزان اشتغال مربوط به استان تهران (۶۳/۱ درصد) و پائینترین آن مربوط به استان زنجان (۳۶/۰ درصد) بوده‌است.

جدول ۵

شاغلان بخش خدمات			استان
نقاط روستایی	نقاط شهری	کل	
۲۶/۳	۶۲/۳	۳۶/۰	کل کشور
۱۵/۸	۵۳/۰	۳۶/۲	آذربایجان شرقی
۲۰/۶	۶۲/۳	۳۱/۰	آذربایجان غربی
۲۱/۱	۶۵/۳	۳۱/۲	اردبیل
۳۲/۲	۵۵/۸	۳۹/۶	اصفهان
۲۸/۵	۶۷/۲	۳۸/۱	ایلام
۳۳/۰	۶۹/۵	۵۸/۱	بوشهر
۳۶/۹	۶۵/۳	۶۳/۱	تهران
۲۶/۳	۵۶/۲	۳۹/۸	چهارمحال و بختیاری
۱۶/۸	۶۲/۳	۳۸/۹	خراسان
۳۳/۳	۶۳/۳	۵۳/۸	خوزستان
۱۷/۳	۵۸/۷	۳۶/۰	زنجان
۲۱/۱	۶۰/۷	۳۸/۰	سمنان
۳۲/۸	۶۹/۵	۵۱/۳	سیستان و بلوچستان
۳۳/۵	۶۳/۳	۵۱/۵	فارس
۲۶/۷	۵۲/۲	۳۱/۵	قزوین
۲۳/۵	۵۳/۰	۵۰/۸	قم
۲۱/۶	۷۱/۲	۳۹/۰	کردستان
۲۲/۹	۶۰/۳	۳۳/۰	کرمان
۲۲/۲	۷۰/۵	۵۱/۰	کرمانشاه
۲۹/۲	۶۶/۸	۳۳/۵	کهگیلویه و بویراحمد
۲۲/۹	۶۲/۶	۳۸/۱	گلستان
۳۰/۵	۶۶/۳	۳۶/۱	گیلان
۲۸/۲	۶۰/۸	۳۵/۶	لرستان
۳۳/۳	۶۱/۹	۳۵/۶	مازندران
۲۰/۸	۵۲/۷	۳۸/۳	مرکزی
۳۳/۳	۷۰/۳	۳۹/۹	هرمزگان
۲۱/۲	۶۳/۶	۳۰/۸	همدان
۳۲/۱	۵۳/۳	۳۸/۱	یزد

جدول (۶) شاغلان بخش خدمات را برحسب جنس در نقاط شهری و روستایی در آبان ماه ۱۳۷۵ به نسبت هزار نفر نشان می‌دهد.

جدول ۶. شاغلان بخش خدمات در نقاط شهری و روستایی برحسب جنس

نقاط روستایی		نقاط شهری		کل کشور			گروه‌های عمده فعالیت
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	مردوزن	
۶	۲۵۸	۲۲	۱۵۲۶	۲۸	۱۸۰۲	۱۸۳۲	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی
۶	۱۵	۲	۶۷	۲	۸۲	۸۵	هتل و رستوران
۳	۲۴۵	۱۵	۷۱۰	۱۸	۹۵۵	۹۳	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۳	۱۰	۱۳	۱۳۰	۱۴	۱۳۹	۱۵۳	واسطه‌گریهای مالی
۱	۱۷	۱۱	۱۲۰	۱۲	۱۳۷	۱۴۹	مستغلات، اجاره و فعالیتهای کار و کسب
۹	۳۹۵	۹۰	۱۱۲۴	۹۹	۱۵۱۹	۱۶۱۸	اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی
۲۸	۱۳۵	۳۲۲	۲۳۶	۳۵۹	۵۸۲	۶۰۳۱	آموزش
۱۶	۲۲	۱۰۳	۱۵۲	۱۱۹	۱۸۴	۳۰۳	بهداشت و مددکاری اجتماعی
۵	۲۵	۲۶	۱۴۸	۳۱	۱۸۳	۲۲۴	سایر فعالیتهای خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی
۲	۲۲	۳	۲۵	۵	۵۷	۶۲	خانوارهای معمولی دارای مستخدم
۲	۴	۲	۲۶	۳	۳۰	۳۳	دفاتر و ادارات مرکزی
۰	۴	۲	۱	۳	۱	۱	سازمانها و هیأت‌های برون‌مرزی
۲۲	۵۸	۳۰	۱۴۶	۵۲	۲۰۵	۲۵۷	فعالیتهای نامشخص و اظهار

براساس جدول فوق از مجموع ۶،۸۶۱،۲۳۵ نفر از شاغلان بخش خدمات، ۵،۸۷۹،۴۶۰ نفر مرد و ۹۸۱،۷۷۵ نفر زن که حدود ۵،۵۲۳،۲۳۵ نفر در نقاط شهری و ۱،۳۳۸،۰۰۰ نفر در مناطق روستایی به کار اشتغال داشته‌اند. باید توجه داشت که کل جمعیت شهری ایران نزدیک به دو برابر جمعیت روستایی است در حالیکه شاغلان بخش خدمات شهری بیش از چهار برابر جمعیت شاغل روستاست که این امر حاکی از تراکم فعالیتهای خدماتی در شهرها می‌باشد. این مسئله هنگامی اهمیت می‌یابد که در خدمات آموزشی و بهداشتی نیز تراکم چهار برابر در شهرها مشهود است که این موضوع خود مؤید عدم توجه به مناطق روستایی از نظر سرمایه‌گذاریهای زیربنایی توسعه در بخش خدمات است.

در مناطق روستایی زنان تنها ده درصد کل نیروی خدماتی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین تنها دو سرویس عمده آموزش و بهداشت مناطق شهری نشان‌دهنده تعادل میان شاغلان مرد و زن است. در سایر بخشها غلبه مردان در کلیه مشاغل تردیدناپذیر است. مشاغلی مانند فروشنده‌گی، تعمیرات، حمل و نقل و امور عمومی و دفاعی اصولاً در اختیار مردان می‌باشد.

چنانچه سه بخش فروشنده‌گی، واسطه‌گری و کار کسب مستغلاتی را مورد توجه قرار دهیم، مشاهده می‌شود که سهم چشمگیری از شاغلان ایران؛ یعنی ۲،۱۴۴،۲۵۲ نفر (نزدیک به ۱۵ درصد) در فعالیتهایی همانند واسطه‌گری اشتغال دارند که عملکرد آنها منجر به افزایش قیمت کالاهای تولید شده و تورم و گرانی قیمتها در کشور می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه بطور کلی قابل بیان است شامل موارد زیر می‌باشد.

- نرخ تولید در فعالیتهای بخش عمومی در ایران بسیار پائین است. این شاخص به خصوص در دو دهه شصت و هفتاد کاهش چشمگیر داشته و اقتصاد ایران

را در موقعیت بی‌ثباتی قرار داده‌است. این کاهش تأثیر بسیاری بر فشارهای ناشی از وابستگی میزان پس‌انداز و توان سرمایه‌گذاری نیز داشته‌است. نرخ پائین اشتغال همراه با میزان بازدهی کم، از شاخصهای عمده‌ای است که در سالهای اخیر ساختار اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داده‌است.

● بخش کشاورزی دارای ظرفیت پائین برای تولید اشتغال است که طی دو دهه گذشته میزان افزایش شاغلان در این بخش بسیار کم بوده‌است بطوریکه می‌توان گفت که بخش کشاورزی اصولاً با کاهش تعداد شاغلان مواجه است. در برنامه‌ریزیهای کلان به افزایش ظرفیت تولید اشتغال در بخشهای صنعت و خدمات توجه بیشتری شده و بالطبع سهم شاغلان بخش کشاورزی نیز کاهش یافته‌است.

● طی چند سال گذشته نیروی کار با نرخ تقریبی $3/5$ درصد در سال افزایش یافته و سالیانه ششصد هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند، در حالیکه حداکثر توان تولید منابع اشتغال چهارصد و پنجاه هزار شغل در سال بوده‌است. در نتیجه نرخ بیکاری در سال 1380 به 16 درصد (رسمی) و 25 درصد (غیررسمی) رسیده‌است. بعلاوه کم کاری و سطح نازل کارایی شاغلان، مشکلات موجود را فزونی می‌بخشد.

● زنان شاغل در بخش کشاورزی کمتر از مردان از مزایای اشتغال و دستمزد بهره‌مند می‌شوند. لیکن این روند در بخش صنعت، کمتر محسوس است که در آن $29/3$ درصد مردان و $26/8$ درصد زنان خویش فرما بوده و تنها 2 درصد مردان و $25/6$ درصد زنان کارگران خانگی بوده‌اند.

● تولید در بخشهای سرویس و ساختمان نیز تقریباً همین الگو را دنبال می‌کند. بنابراین سهم این بخشها از تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده آنها طی این دوره متغیر بوده‌است. طی سالهای $55-1345$ ، افزایش ارزش افزوده بخشهای خدمات و ساختمان بعضاً به دلیل تزریق درآمدهای مازاد نفتی ناشی از اولین شوک نفتی بوده‌است. وضعیت این دو بخش در طی دهه بعد؛ یعنی $1355-65$ تحت تأثیر شرایط سیاسی انقلاب و جنگ با عراق قرار داشته‌است. گسترش ارزش افزوده این دو

بخش طی دهه ۷۵-۱۳۶۵، عمدتاً به دلیل برنامه‌های تحول اقتصادی؛ بویژه فعالیت بخش خصوصی بوده‌است.

● در ایران میزان مشارکت دولت در بخش خدمات، در مقایسه با بخش ساختمان یا سایر بخشهای اقتصاد کاملاً چشمگیر است.

● در بخش خدمات ۳۹/۵ درصد مردان و ۵/۴ درصد زنان خویش فرما بوده و بقیه عمدتاً برای دولت کار می‌کنند. در صنعت ساختمان غلبه کامل با کارکنان مرد است (۹۹ درصد)؛ در حالیکه در بخش سرویس ۸۷/۳ درصد کارکنان مرد و ۱۲/۷ درصد زن بوده‌اند.

● مقایسه آماری سالهای مختلف حاکی از افزایش سطح سواد در میان شاغلان می‌باشد؛ بویژه در مورد دانش آموختگان دانشگاهی در میان شاغلان از سال ۱۳۶۵ تا کنون، این گروه رشدی معادل ۱۸۲ درصد داشته‌است. این امر بدین دلیل رخ داده‌است که بخش دولتی سطح سواد مورد نیاز مشاغل را منظم‌اً افزایش داده‌است. بنابراین نرخ رشد کارکنان با تحصیلات عالی در بخش خصوصی بیشتر از رشد این نرخ در بخش دولتی بوده‌است.

● دولت نقش عمده‌ای در ایجاد زمینه‌های اشتغال در ایران داشته و بخش غیردولتی نیز سهم چشمگیری در این مسئله نداشته‌است.

● نسبت شاغلان متخصص به کل شاغلان پائین است (هرچند در سالهای اخیر اندکی بهبود یافته‌است). همچنین توزیع کارکنان متخصص چه از نظر فعالیت تولیدی و چه از لحاظ جغرافیایی، نامتناسب است. سهم شاغلان متخصص در بخشهای تولیدی کشاورزی و صنعت چشمگیر نمی‌باشد.

● طی ده سال گذشته، حجم سرمایه نهاده شده برای هر شغل در اقتصاد ایران کاهش یافته‌است. میزان تمرکز کارگر به نسبت شغل در صنعت، پائینتر از متوسط کل اقتصاد و نیز میزان تمرکز کارگر به نسبت شغل در کشاورزی، بالاتر از متوسط کل اقتصاد کشور است.

● مشاغل ایجاد شده در طی دو دهه گذشته عمدتاً در مناطق شهری متمرکز بوده و این امر منجر به تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها و عدم تناسب پراکندگی مشاغل در مناطق مختلف کشور و همچنین ایجاد اختلاف میان نرخهای بیکاری در بخشهای گوناگون کشور شده که به نوبه خود مشکلاتی در کل اقتصاد به وجود آورده است.

● سهم اشتغال زنان در سالهای اخیر رو به افزایش بوده است. تغییرات حاصله در جمعیت غیرفعال، نمایشگر یک نیروی مخفی در حال خیزش در ذخیره کارگر ایران است که مجموع بازار کار کشور را در سالهای آتی تحت تأثیر قرار خواهد داد. از سوی دیگر، افزایش سهم جمعیت غیرشاغل موقت نظیر دانشجویان در کل جمعیت غیرفعال و نیز بالا رفتن سطح سواد در میان زنان، بازار کار ایران را در آینده تغییر خواهد داد. تاکنون برنامه‌ریزی کامل و جامعی برای مواجهه با مشکلات ناشی از این تغییرات بسیار مهم انجام نپذیرفته است.

● سطح پائین تولید، یکی از مشکلات اساسی اقتصاد ایران است که مانع بزرگی در راه ایجاد امکانات پس‌انداز و گسترش رفاه اجتماعی بشمار می‌رود. این مسئله باید به عنوان یک متغیر اصلی در دو سطح خرد و کلان در برنامه‌ریزیهای اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

● اشتغال در آینده یکی از مشکلات اساسی ایران خواهد بود. متغیرهای متعددی نظیر تغییر در هرم سنی جمعیت، توسعه تکنولوژی، تغییرات در وضعیت سواد و سایر عوامل نشان می‌دهد که متغیر جمعیت فعال شاغل کشور شدیداً دستخوش تحول خواهد بود. نوع مشاغلی که باید ایجاد شود و همچنین سرمایه‌گذاری مورد نیاز نیز تغییر خواهد یافت. شناخت دینامیسم متغیرهای مؤثر باید در اولویت برنامه‌ریزی قرار گیرد.

طبق آمارهای متفاوت، تعداد بیکاران کشور بین ۱/۵ تا ۳ میلیون نفر گزارش شده که نسبت به ۱۵ میلیون نفر شاغل، شاخص دو رقمی - بین ۱۰ تا ۲۰ درصد - را

نشان می‌دهد.

آمارهای دیگر نشانگر آن است که بطور متوسط، سالانه ۷۵۰ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند که اگر این رقم را برای سالهای آتی، ثابت فرض کنیم - که چنین نیست - طی ده سال آینده، ۷/۵ میلیون نفر - معادل ۵۰ درصد شاغلان امروز در پی یافتن شغل خواهند بود.

این فرایند چگونه باید تحلیل گردد؟ در توضیح می‌توان گفت که تمامی ظرفیتهای موجود کشور اعم از کارخانه‌ها، سدها، نیروگاهها، پالایشگاهها، صنعت ساختمان‌سازی، راهها و تمامی شبکه ارتباطات و... که طی اجرای چندین برنامه توسعه و در طول چهل سال تولید شده‌است، مستقیم یا غیرمستقیم پذیرای پانزده میلیون شاغل شده‌اند. در نتیجه برای ایجاد هفت و نیم میلیون فرصت شغلی لازم است تا طی ده سال آینده (در دو برنامه ۵ ساله)، ۵۰ درصد به ظرفیتهای اقتصادی کشور افزوده شود. این در حالیست که نسبت ایجاد مشاغل به تولید ظرفیتهای به همان نسبت سابق باقی مانده‌باشد.

به هر حال مسائل عمده اشتغال در ایران ناشی از عواملی همچون تراکم نیروی کار اضافی در مؤسسات دولتی و عمومی، هزینه نازل سوخت و انرژی، یارانه‌های مختلف، مقررات محدودکننده و دست و پاگیر کارگری همراه با عامل مهم عدم وجود رقابت در این زمینه می‌باشد.

در گزارشی که اخیراً تحت‌عنوان توسعه انسانی پایدار توسط سازمان ملل منتشر گردیده‌است، اشاره شده که افزایش فقر و ظرفیت پائین تولید اشتغال مشکل اساسی ایران بشمار می‌رود. با حدود چهار میلیون نفر بیکار (عمدتاً جوانان) و خروج تقریبی ۱۵۰،۰۰۰ نفر جوانان تحصیلکرده از کشور در هر سال و ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر، ایران نیازمند تجدیدنظر جدی و کلی در برنامه‌ریزی نیروی انسانی خود بویژه در مناطق جغرافیایی و بخشهای اقتصادی است که دارای نرخ بیکاری بالا و فقر فزاینده هستند.

با تمام تلاشهایی که در راه نیل به توسعه اقتصادی اجتماعی انجام گرفته است، شاخصهای اقتصادی - اجتماعی تصویر مطلوبی از اقتصاد ایران به نمایش نمی‌گذارد. بطوری که نرخ بیکاری در سال ۱۳۷۹ برابر با ۱۴/۲۵ درصد بوده که این رقم نسبت به سال ۱۳۷۶ (۱۳/۱۰ درصد) حدود یک درصد افزایش یافته است. این نرخ در سال ۱۳۷۸ برابر با ۱۶/۰۳ درصد بوده است. از سوی دیگر همین نرخ در نزد زنان در سال ۱۳۷۸، ۲۰/۶۷ درصد است که این امر نشانگر گرایش زنان به پذیرش نقشهای اجتماعی است. با ورود جوانان جویای کار این رقم همچنان رو به افزایش بوده و از سوی دیگر با توجه به بحران بسیاری از صنایع؛ مانند صنایع نساجی، نرخ بیکاری، علی‌رغم تلاشهای انجام گرفته در جهت ایجاد اشتغال رو به افزایش خواهد بود.



کتابنامه:

۱. تقوی، مهدی. «جهانی شدن و چالشهای پیش رو». پژوهشنامه اقتصادی. سال دوم، شماره پنجم (تابستان ۱۳۸۱).
۲. خادم آدم، ناصر. «ایجاد تحول در نظام بهره‌برداری کشاورزی». اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۱۲۰-۱۱۹ (مرداد و شهریور ۱۳۷۶).
۳. کاتوزیان، محمدعلی. اقتصاد سیاسی ایران. تهران، نشر پاپیروس، ۱۳۶۶.
۴. مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (۱۳۷۵).
۵. پژوهشکده امور اقتصادی. پژوهشنامه اقتصادی. شماره‌های مختلف.
۶. قلی‌نیا، جوادمحمد و دیگران. «سازمان تجارت جهانی و کشاورزی ایران». اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۲۷، (پائیز ۱۳۷۸).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی